

حاکمیت جنبش سبز از آن کیست؟

امیرفیض- حقوقدان

سه شنبه ۸ جون ۲۰۱۰

بهرامشید ۱۸ خرداد ۲۵۴۹

یکی از حکما می گوید: «مدتی طول میکشد تا غریق روی آب بیاید» مقصودش این است که ماهیت کارها و رویدادها نیاز به زمان دارد تا بتوان آنها درست ارزیابی کرد. البته هر قدر که فساد در یک حرکت و یا عملی بیشتر باشد، سرعت آشکاری ماهیت هم بیشتر است.

در این راستا، اجازه می خواهد که ماهیت جنبش سبز را به اعتبار اظهاراتی که منتشر شده و واکنش سکوت آمیزی که نسبت به آن وجود دارد شناسایی کنیم.

توضیح اینکه ماهیت مورد نظر، به اعتبار عقیده سیاسی جنبش سبز نیست و در این جهت است که جنبش سبز متعلق به کیست؟

مالک جنبش سبز را بشناسیم:

در تحریر قبلی این اشاره رفت که عادت مردم ما چنین است که به جنبش ها و حرکت های سیاسی که بدون رهبری شاه و یا آخوند اعظم جریان پیدا میکند، با دیده عدم اطمینان به اصالت و حقیقت و مشروعیت آن نگاه میکنند و همواره این دوسوال برایشان مطرح است که:

۱- چه کسی پشت این حرکت است، یعنی این حرکت مال کیست؟

۲- هزینه های آن از کجا تامین می شود؟

اکنون باتفاق پاسخ این دو سوال را در مورد جنبش سبز به اعتبار اظهاراتی که منتشر شده و واکنش سکوت آمیزی که نسبت به آنها وجود دارد پیدا کنیم. یعنی هم بهفهمیم که جنبش سبز مال کیست و هم هزینه های آن از کجا تامین می شود.

اول به سراغ شناسایی مالک جنبش سبز میرویم:

این تحقیق را با یک تشبیه شروع می کنم؛

یک سایت ساختمانی را که می بینیم، کارگران بسیاری با لباس های فرم در آن فعال هستند مازظاهر این فعالیت نمی توانیم مالک ساختمان و قصدی که برای سرمایه گذاری کرده است را بیابیم لازم است به اسناد بیشتری توجه کنیم و از افرادی که ادعای مالکیت بر آن فعالیت را دارند، سخن هایی بشنویم.

جنبش سبز، هم همان وضعیت ساختمانی که مثال آورده شد را دارد. ما می بینیم که کسانی مانند موسوی و کروی و خاتمی مهندسين ساختمان جنبش سبز هستند، سرعمله هایی مانند مهاجرانی، کدیور، موسوی خوبینی ها، اکبرگنجی، سازگارا و غیره کارهای ساختمانی جنبش سبز را راست و ریس می کنند و گروهی عمله هم اینطرف و آنطرف کار

عملگی جنبش سبز را جلو میبرند ولی برای اینکه مالک حقیقی این جنب و جوش شناخته شود لازم است بتحقیق برویم که سرمایه گذار این جنبش کیست و برای چه این جنب و جوش به حرکت درآمده است.

ابتدا این توضیح لازم است که مقصود از حرکت جنبش، حرکت آغازین آن نیست. زیرا که حرکت آغازین جنبش اصیل یعنی رستاخیز ملت ایران بود که بفوریت بوسیله جمهوری اسلامی رنگ و حرکت اسلامی یافت و طولی نکشید که تغییر ماهیت داد و در جهت خواست و سرمایه گذاری اسرائیل حرکت خود را آغاز کرد.

آنچه عرض شد نیاز به توضیحات و ارائه دلایل دارد که خود بحث دیگری است که باتفاق آنرا باز و دنبال میکنیم. (نه در این تحریر)

دلایل مالکیت جنبش:

این تحقیق به اسناد و مدارکی رسیده که با ارائه آنها خواننده این تحقیق هم عقیده خواهد شد که مالک حقیقی جنبش سبز از حرکت دوم آن، کشور اسرائیل است، یعنی اسرائیل به جنبش سبز چنگ انداخت و با سرمایه گذاری و استیلای بد، حرکت آنرا به سویی که اسرائیل میخواست و میخواست به جریان انداخت.

به اتفاق به اسناد مزبور رجوع می کنیم:

۱- روزنامه آمریکایی (وال استریت ژورنال) در مقاله ای به قلم آقای «چارلز لوینسون» راجع به ناراضیان مخالف جمهوری اسلامی نوشت: «اسرائیل به مخالفان حکومت ایران (جنبش سبز) دل بسته است».

۲- یوری لوبرانی «اسرائیلی سفیر سابق اسرائیل در ایران گفت: «ما باید هرکاری که از دستمان بر می آید در حمایت از مخالفان حکومت ایران به عمل آوریم تا آنها کارشان را تمام کنند».

۳- شیمون پرز رییس جمهوری اسرائیل در گفتگویی باروزنامه آلمانی «فرانکفورتر» حمایت از جنبش سبز را از کشور های جهان خواستار شد.

۴- ملاقات ماکان دوست پسر ندا با شیمون پرز، نشان افتخار و خدمتی بود که اسرائیل به یکی از عوامل خود داد.

۵- وبلاخره نتانیا هو نخست وزیر اسرائیل در پارلمان آن کشور گفت: «مخالفت های داخلی با جمهوری اسلامی، سرمایه مهمی برای اسرائیل است» پایگاه اینترنتی روزنامه جرورالم پست هشتم دسامبر ۲۰۰۹

۶- اهود باراک گفت: «چرا جامعه جهانی از مبارزان ایرانی حمایت کافی نمیکند». او از فقدان حمایت جهانی از مردم بپا خاسته ایران ابراز نا خشنودی کرد و خواستار کمک و حمایت جهانی از معترضین ایرانی شد.

۷- شیمون پرز، در دانشگاه «هرتسلیا» گفت: «مخالفان جمهوری اسلامی اهمیت بیشتری از تحریم ها دارند و ما باید از جنبش سبز دلجویی کنیم و آنها را دلگرم سازیم» ۱۵ بهمن ۱۳۸۸

۸- شیمون پرز در سخنرانی سالیانه روسای آژانس یهود تاکید کرد که «ما باید از مخالفان حمایت کنیم آنها به نیابت ما با رژیم اسلامی می جنگند» اسفند ماه سال ۱۳۸۸

برداشت از دلایل و اظهارات بالا:

۱- نخستین برداشت و سؤال این است که چرا این اظهارات را شخصیت های مسئول اسرائیل نسبت به جنبش سبز کرده اند، نه کشور های دیگر؟ در حالیکه کشور های زیادی بودند و هستند که جنبش ضد رژیم اسلامی را تایید و حمایت می کنند.

زیرا، حمایت کشور ها از جنبش ضد رژیم به اعتبار رعایت حقوق بشر است ولی حمایت اسرائیل همانطور که شیمون پرز و بنیامین نتانیا هو اظهار داشته اند به اعتبار حقی است که اسرائیل برای خود در جنبش باصطلاح سبز قایل است و آن حق هم بالصراحه در مفهوم آمریت و مالکیت و تسلط معرفی گردیده است.

۲- ملاقات «ماکان» با شیمون پرز یک دلیل قاطع برارتباط عملیاتی بین اسرائیل و تظاهرات جنبش سبز است. این ملاقات هیچ چیز غیر عادی نیست، در همه کشورها مامورینی که ماموریت های خطرناک خود را خوب انجام می دهند نشان افتخار دریافت می کنند، ملاقات ماکان با رییس جمهوری اسرائیل یک مدال افتخار است و گویای این است که اسرائیل قدر خدمه و مامورین خودش را میداند و این همان کاری است که جمهوری اسلامی با انیس نقاش و راد، مامورین خود در ترور بختیار انجام داد و از آنها استقبال وبامقامات جمهوری اسلامی ملاقات وبه تصدی مقاماتی هم منصوب شدند.

ملاقات یک ایرانی وحتی اسرائیلی با رییس جموری اسراییل محال وممتنع است مگر اینکه رابطه خدمتی وماموریتی معضل و موفق از سوی آن ایرانی ویا اسراییلی انجام یافته باشد.

وقتی جریانی که بر خانم ندا (آقاسلطان) رفت و مظهریتی که از او ساخته شد و اشکهایی که برای او ریختند [!!] در کنار ملاقات ماکان با شیمون پرز قرار گیرد، آنوقت به اهمیت اسراییل ونقش آن کشور در رویداد های ۲۲ خرداد بیشتر قابل شناسایی وتایید اظهارات شیمون پرز و بنیامین نتانیا هوست.

یادمان باشد که هیچ یک از باصطلاح رهبران جنبش سبز ویا عمله های آن جنبش، درخارج به این ملاقات اعتراض نکردند، زیرا که حق اعتراض ندارند. آنها خوب می دانند که آمر، حاکم، مالک جنبش سبز اسراییل است و این فرمانده جنبش یعنی اسراییل است که حق تشخیص، تحسین و تجلیل از سربازان را دارد نه سربازان.

۳- مقصود از اظهارات «یوری لویرانی» که گفت: «ما باید هرکاری که از دستمان برمی آید در حمایت از مخالفان حکومت ایران بعمل آوریم تا آنها کارشان را تمام کنند» عبارت «هرکاری از دستمان بی می آید بعمل آوریم» خیلی با معنی ووسعت عمل دارد. معلوم است که یک کشور مانند اسراییل دستش برای خیلی کارها از ترور وسرمایه گذاری، خریدن افراد و فشار آمریکایی ها برای تحریم ها و امثال آنها کاملاً باز است.

عبارت «تا آنها کار را تمام کنند» یک خواست معمول هرسرمایه گذاری درهرکاری است اسراییل هم مانند سایر سرمایه گذاران تجاری مایل است که کار زودتر تمام بشود. مسنولیتی که اسراییل برای خود در موفقیت جنبش باصطلاح سبز قایل است، این حق را به او میدهد که جنبشی ها کارشان را زودتر تمام بکنند.

۴- اظهارات شیمون پرز رییس جمهوری اسراییل دایر بر اینکه «آنها به نیابت از ما می جنگند» دلیل قاطعی است که جنبش با اصطلاح سبزی ها برای پیشبرد مقاصد اسراییل با رژیم جمهوری اسلامی ایران میجنگند نه برای آزادی دموکراسی واین چیز ها که از حقوق داخلی کشور ها است.

درنتیجه،همان کسانی که در جریان ۲۲ خرداد کشته ویا مجروح ویا زندانی شده اند، در انجام خدمت به اسراییل به این مشقات روبرو شده اند.

آیا آن مردم بی پناه، ستم کشیده و جان داده می دانستند که زیرفرمان وبرای اسراییل جان می دهند و زندانی می شوند، البته که خیر، ولی بدون تردید شخصیت های بارز آنها دقیقاً می دانستند که از کی فرمان می گیرند و از کجا حمایت می شوند.

۵- وقتی بنیامین نتانیا هو می گوید: «مخالفان جمهوری اسلامی، سرمایه مهمی برای اسراییل است» بدان معنی است که جزء وکل جنبش سبز، در عبارت مخالفان جمهوری اسلامی سرمایه مهمی برای اسراییل می باشند و در کلامی دیگر، جنبش سبز، جنبش اسراییلی است.

آیا سه میلیون ایرانی مخالف جمهوری اسلامی درخارج از کشور، سرمایه اسراییل بشمار می روند وقاحت، آنهم در این حد؟

۶- آنجا که اسراییل از کشور های جهان می خواهد که به جنبش ضد رژیم اسلامی ایران کمک کنند با توجه به اظهارات شیمون پرز و بنیامین نتانیا هو، این معنا را دارد که به سرمایه گذاری اسراییل وکسانی که برای اسراییل بارزیم ایران می جنگند کمک کنند نه به رستاخیز ملی ایرانیان.

۷- ادعا شده که جنبش سبز، واجد رهبری نیست. کاملاً این ادعا درست است. زیرا در حالیکه جنبش سبز، مال اسرائیل است، برای اسرائیل بارژیم می‌جنگد، سرمایه مهمی برای آن کشور است، خوب، معلوم است که رهبر چنین تحریکاتی هم دولت اسرائیل است و فرماندهان یعنی گروه‌بان‌های زیر دست اسرائیل هم همین عمده‌هایی هستند که در ایران و خارج جنبش را اداره می‌کنند. مگر تاکنون جنبش ملی دیده شده است که یک فرمانده خارجی آنهم کشوری مانند اسرائیل داشته باشد و هم رهبر ایرانی؟ آنجا که شاخص‌های جنبش می‌گویند ما رهبر نیستیم درست می‌گویند، میدانند که خودشان عمده‌هایی هستند که زیر نظر ورهبری اسرائیل فعالیت می‌کنند.

وقاحت اسرائیل و وقاحت ما !

در این تحریر، به اشاراتی از بنیامین نتانیاهو و شیمون پرز و شخصیت‌های اسرائیلی که نشانگر وقاحت آنان نسبت به جنبش ایرانیان بود ملاحظه گردید. حالیه جا دارد به وقاحت خودمان در برخورد با وقاحت اسرائیلی‌ها نگاهی با شرم و خجلت بیاندازیم.

اظهارات سران اسرائیل درباره جنبش مردم ایران یک اظهارات درگوشی نیست، میلیون‌ها مردم دنیا آنرا شنیده‌اند و منتظر بودند که واکنش ایرانیان به ویژه کسانی که ادعای جنبش سبز بودن را دارند در مقابل این وقاحت‌های اسرائیلی‌ها چگونه است. آنها درک می‌کنند که چنین اظهاراتی از ناحیه سران اسرائیل در حکم تجاوز به ناموس ملی یک ملت است، در حکم سوار شدن بر جان و مال یک ملت است، برای مردم هیچ کشوری قابل تحمل نیست ولی در کمال تأسف، از ناحیه سران جنبش تا چه رسد از طرف نمایندگان آنها در خارج از ایران و کوچکترین اعتراضی نشد نمی‌توانست هم بشود، آنها سربازان اسرائیل هستند، سرمایه‌های اسرائیل هستند، اعتراض به چه؟ به حقیقتی که وجود دارد؟

رد من رد اسرائیل است:

در این میان نمی‌توان از تأسف بسیار سنگین و شرم آور خودمان غفلت نکنیم که اعلیحضرت که در حدی غیرقابل قبول و بسا نا متعارف و بسیار استثنایی چنان اصالت و احترامی برای جنبش سبز قایل می‌باشند که رد خودشان را لازمه رد جنبش بشمار آورده‌اند، هیچ تأسف و تاثیری از اظهارات سران اسرائیل نسبت به جنبش سبز نشان ندادند و در واقع حاصل این سکوت این می‌شود که هر که بخواهد جنبش متعلق به اسرائیل را محکوم کند اول باید ایشان را رد نماید.

اعلیحضرت که سالها قبل در اجتماع‌های افراد نیروی‌های مسلح در لس آنجلس فرمودند:

«پهلوی‌ها به توده مردم عقیده دارند نه به خارجی‌ها»

چگونه در مقابل اظهارات مسئولین اسرائیل و ادعای مالکیت جنبش سبز سکوت می‌فرمایند؟ آخر به اسرائیل چه مربوط است که یک جنبشی که در اصل جنبش مردمی بوده و به لحاظ سیاست جمهوری اسلامی آلوده به تعفن‌های بسیار شده است به نجاست هم آلوده اش سازد.

چه کسی می‌تواند تصور کند جنبشی که مال اسرائیل شناخته می‌شود به علت سکوت سینه‌چاک‌کن‌های جنبش سبز این ادعا بتو چه عمومی نزدیک می‌شود، جنبش موفق و مردمی شناخته می‌شود.

حاشیه: واژه نجاست که برای جنبش سبز در این تحریر بکار رفته از «منشه امیر» است که گفت: «ما برخی از آنانی را که جنبش سبز در خارج از ایران هستند را برای مصاحبه به رادیو اسرائیل دعوت کردیم. اما آنها دعوت ما را قبول نکردند، من به آنها گفتم آیا شما اسرائیل را نجس می‌دانید؟» (از سایت وزارت خارجه اسرائیل)

یعنی جنبش سبز، حتا نزد جنبشی ها هم نجس و شرم آور است. (پایان حاشیه)

برای قضاوت وجدان:

مصاحبه اعلیحضرت، با رادیو اسرائیل در سال جاری بعد از اظهارات بنیامین نتانیاهو و شیمون پرز در رابطه با جنبش سبز و مخالفت ایرانیان با جمهوری اسلامی بوده است. بیانات اعلیحضرت که بدور از نفی ویا اعتراض به اظهارات روسا و مسئولین اسرائیل در آن مصاحبه ایراد شده برگ نا پسندی بر تاریخ مبارزه ما ایرانیان است.

انسان اگر میوه ویا یک خوردنی را دوست دارد ولی اتفاقا از دستش افتاده و کثیف شدویا کسی که دستش نا پاک است به آن دست زد، اول آن چیز کثیف شده را پاک می کند وبعد آنرا مصرف می نماید.^۱

صادق بیرجندی بیٹی دارد که وصف الحال موضوع است:

اگر سیبى بیفتد در لجنزار که تا پاکش ندیدی دست بردار

در تطبیق مورد، بجا بود اعلیحضرت اول رفع اتهام از جنبش سبز میفرمودند یعنی رفع اثر از ادعای حاکمیت بر جنبش سبز را مطرح می کردند وبعد شیفتگی خودشان را به جنبش سبز نشان میدادند. بقول حلی «وضوی با آب نا پاک، وضو نیست» جانبداری و دفاع آنهم در حد صددرصد از جنبشی که بنا بر ادعای بدون جواب و تکذیب در حاکمیت اسرائیل است جانبداری از اسرائیل محسوب می شود.



^۱- فقط یکی دو تن انگشت شمار از مبارزان در جلوی خط مبارزه قرار دارند که حاضر نمی شوند با رادیو هایی همانند اسرائیل یا صدای آمریکا گفتگو کنند. شوربختانه به استناد گفته های خانم منشی دفتر اعلیحضرت، «از هر جا بتوان صدا را به گوش رساند بهره می گیرند» این انتخاب بد منتسب به اعلیحضرت نیست، کسانی که در دفتر، ایشان را راهنمایی می کنند به کارشان ادا وارد نیستند ویا ماموریتی دارند تا برگ های نا پسندی بر جای بگذارند. ح-ک

داستانی در میان مردم مرسوم است که می گوید:

در شهر رم دو تن ژنده پوش یکی با گذاشتن ستاره داوود و دیگری با گذاشتن خاج مسیح در جلوشان کنار خیابان گدایی میکردند، رهگذران بدون اعتنا به فردی که جلوی آن ستاره داوود بود پول های زیادی به کسی که خاج مسیح داشت ریخته بودند. یک کشیش کاتولیک از آن کنار می گذشت، توجهش جلب شد، مدتی ایستاد و به آنچه می گذشت نگاه کرد. به کسی که ستاره داوود جلوی او بود نزدیک شد و گفت، شما میدانید اینجا یک شهر کاتولیک است و مردم تعصبی به دین مسیح دارند و به ویژه که تو در کنار این شخص که خاج مسیح دارد نشسته ای چیزی گیرت نخواهد آمد. کسی که ستاره داوود جلوی او بود نگاهش به کشیش کاتولیک کرد و سپس رو به بغل دستی اش کرد و گفت: «شیمون این کشیش را ببین به ما متخصصین تبلیغات و تجارت درس می دهد».

اشکال کشیش آن بود که از اصل داستان خبر نداشت و بدون پژوهش و بدون مطالعه دهانش را باز کرده بود.

ح-ک